



تأثير امنیت روانی در حقوق خانواده

تالیف:

محمد صادقیان

وحید رحمتی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

سرشناسه	: صادقان، محمد، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: تاثیر امنیت روانی در حقوق خانواده/تالیف محمد صادقان، وحید رحمتی.
مشخصات نشر	: تهران: قانون یار، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۴ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۷۲-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: حقوق خانواده -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Domestic relations -- Religious aspects -- Islam
شناسه افزوده	: رحمتی، وحید، ۱۳۶۵ تیر -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ص ۱۷۳/۲ ت ۱۷۳/۲۳۰/۲ BP
رده بندی دیویی	: ۴۸۳۱/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۴۲۵۸۴

انتشارات قانونی یار

تأثیر امنیت روانی در حقوق خانواده

تألیف: محمد صادقان - وحید رحمتی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شابک: 978-600-8077-72-5

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

فهرست مطالب

فصل اول	۱۰
کلیات و مفاهیم	۱۰
فصل دوم	۲۳
ویژگیهای خانواده از دیدگاه شهید مطهری	۲۳
فصل سوم	۵۰
جایگاه فقهی و حقوقی خانواده از دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان	۵۰
فصل چهارم	۷۱
خانواده از دیدگاه قرآن	۷۱
فصل پنجم	۱۰۸
جایگاه فقهی و حقوقی زن از دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان	۱۰۸

مقدمه

بررسی جایگاه و نقش امنیت روانی؛ آرامش در خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تا آنجا که تعالی انسان که هدف خلقت و آفرینش است تا این تعالی خدای عز و جل پرستش و عبودیت شود میسر نیست مگر در سایه یک آرامش روحی و روانی که در کانون گرم خانواده باید فراهم گردد. لذا در این رساله سعی بر این است که با بررسی عواملی که در ایجاد یک محیط سالم روحی و روانی با استعانت از آیات شریفه قرآن کریم و آموزه های نورانی دین مبین اسلام با تکیه بر نظریات دو وزنه ثقیل علمی و معنوی علامه سید محمد حسین طباطبائی و شهید بزرگوار مرتضی مطهری مطالب ارزنده ای استخراج و مورد بهره برداری قرار گیرد. که کلیات موضوع از چند زاویه مورد بررسی قرار می گیرد و نظریات مختلف دینی و علمی پیرامون آن مطرح و نتیجه گیری نهایی صورت می پذیرد.

مشکلاتی که امروزه بسیاری از جوامع با آن روبرو هستند و جزئی از بزرگترین دغدغه های آنها محسوب می شود آسیب های روانی وارده بر خانواده به عنوانی اساسی ترین و مهمترین جزء هر جامعه می باشد. هر گونه آسیب و خدشه به این نهاد مهم خسارات جبران نا پذیری را به جامعه وارد می نماید. لذا این مهم می طلبد که با شناخت تمامی نقاط ضعف و قوت این کانون حیاتی، آن را در برابر هر گونه بیماری و آسیبی وا کسینه نمود و راه کارهای مناسب آن را به دست آورد. در این مجال بر آن است تا با بررسی عواملی که به صورت مستقیم در ایجاد یک محیط سالم پویا و پر نشاط در خانواده تاثیر گذار می باشند آشنا شده و چگونگی اجرای آن عوامل در کانون خانواده بررسی گردد.

در اهمیت موضوع همین بس که قرآن شریف به کرات در مورد جزء جزء افراد تشکیل دهنده این نهاد مهم دستور العمل ارائه نموده است و از انسان ها خواسته تا با رعایت این آداب و متخلق شدن به اخلاق ذکر شده نهادی عالی و سرشار از صفات حسنه تشکیل و راه را برای رسیدن به هدف عالی خلقت که عبودیت حق تعالی میباشد سوق دهد. در قرآن شریف عواملی را که نیاز است در خانواده مورد توجه قرار داده شود را با تعیین یک مدیر و رهبر برای آن ذکر نموده است و در سوره نساء آیه 34 فرموده است ((الرجال قوامون علی النساء)) می توان



از این آیه نتیجه گرفت که این کانون مهم و حساس را باید یک فرد رهبری کند و مرد را به واسطه شرایط خاص؛ به عنوان سرپرست و قوام آن معرفی نموده است تا زن در خانواده بتواند با خاطری آسوده به امر خطیر و مهم تربیت فرزندان و کانون مهر و عاطفه برای سایر اعضای خانواده قرار گیرد. در روش و سیره اولیاء الهی نیز می بینیم که حضرت محمد (ص) خاتم پیامبران نیز در تفکیک وظایف منزل بین حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) کارهای بیرون خانه که نیازمند جهد بیشتر و خشونت بیشتر هست را به حضرت علی (ع) واگذار می نماید و کارهای درون منزل که قطعاً تعامل و تربیت فرزندان نیز در آن مستتر است را به حضرت فاطمه (س) می سپارد. در صورتی که به این تفکیک وظایف توجه نگردد و جایگاه مرد وزن در خانه دچار تغییر گردد خانواده را دچار اختلالات فراوانی می نماید که در بخش آسیب های خانواده مفصلاً بدان اشاره خواهد شد.

از دیگر مباحث مورد بحث دیگر ما تاثیر عوامل مادی در امنیت روانی خانواده می باشد که در صورتی که اعضای خانواده در مسائل اقتصادی رویه صحیح و اسلام پسند قناعت را رعایت نکنند و دچار افسار گسیختگی در امور مالی گردند تبعات جبران ناپذیری را در خانواده به وجود می آورد.

و همچنین از عوامل دیگری که بدان اشاره خواهد شد جایگاه و نقش معنویت در فراهم نمودن محیط آرام در خانواده است که با استناد به آیات شریفه قرآن کریم مفصلاً مورد بحث قرار خواهد گرفت. مورد دیگر نقش ارتباطات جنسی و اهمیت این مساله از دیدگاه شریعت و قرآن است که در اکثر مجامع از باز نمودن مباحث آن پرهیز می گردد و به خاطر حیا های کاذب و بی جا همواره این بحث را به حاشیه می رانند که باب نوینی از توجه به این مسائله گشوده خواهد شد.

و در تمامی موارد فوق و سایر مباحث که بعداً بدان اشاره می نمایم دیدگاه های دو گوهر والا مقام حضرت علامه طباطبائی و استاد گرانقدر شهید مطهری را بیان خواهیم نمود و از نتایج ارزنده آن بهره مند خواهیم شد.



فصل اول

کلیات و مفاهیم

خانواده در اسلام از جایگاه والا و ویژه ای برخوردار می باشد که از جهات مختلف و گوناگون مورد توجه بوده است که یکی از ابعاد مهمی که بدان پرداخته شده است ایجاد آرامش و سکینه در آن می باشد و جهت ایجاد این آرامش ضمن ارائه راه کارهای فراوان و ارائه طریق مدافع و جود این فضای آرام و سالم می باشد و هر گونه خدشه و آسیب به این آسایش را محکوم و منفور می شمارد. در پژوهش حاضر هدف نگارنده این است که ضمن شناخت مواردی که باعث ایجاد امنیت روانی در خانواده می گردد عواملی را که باعث اختلال در آن می شوند شناسایی و بررسی نماید. و محور و چهارچوب دست یابی به اهداف فوق با عنایت به نظرات شارع مقدس که در قرآن کریم و کتب مستند فقهی و دینی جمع آوری گردیده است و همچنین تکیه بر نظرات دو عالم گرانقدر آیت الله طباطبائی و شهید مطهری خواهیم زد و از مطالب ارزنده آن دو بزرگوار بهره خواهیم جست .

از آنجا که بنیان و اساس هر اجتماعی را خانواده تشکیل می دهد هر گونه تعالی؛ پویایی و سلامت روحی و روانی در خانواده اثر مستقیم در جامعه دارد و تضاد آن نیز صادق است و هرگونه خمودگی نارسایی و گزری در نهاد خانواده اثر مستقیم در اجتماع دارد .

تا جایی که تعالی و انحطاط جامعه را می توان بدون واسطه مدلول خانواده سالم و معیوب دانست. با عنایت به این مطلب که بر خلاف آموزه های دینی و شریعت که سعی در تحکیم و قدرت بخشیدن نظام خانواده دارد امروزه برخی از جوامع بشری سعی در به انحطاط کشاندن و فروپاشی خانواده دارند. و فارغ از آسیب های آشکار و پنهان این اقدام منفور از هیچ تلاشی در نیل به این هدف دریغ نمی نمایند.

مفهوم امنیت

مبنا و اساس جستجوی امنیت را می توان در انگیزه ها و کششهای انسانها دنبال کرد به این معنی که جستجوی امنیت از مهمترین کششها و انگیزه های انسانی است که با جوهر هستی انسان پیوند ناگسستنی دارد. حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی ترین میلیهای انسان است که به روایت تاریخ حتی انسانها اولیه وقتی به آشیای برمی خوردند که برای آنها نا آشنا بودند از ترس اینکه مبادا به آنها آسیب برسانند به مغاره ها پنا می بردند و خود را پنهان می کردند. که این



در حقیقت خود نشان دهنده آن است که نیاز به امنیت مانند اکثریت نیازهای انسانها یک امری کاملاً طبیعی بوده انسانها را وامی دارد که در تامین آن چه در سطح فردی و یا جمعی از خود تحرکاتی نشان دهد. و بعداً انسانها در پی برآوردن نیازهای زیستی از یکدیگر وارد مناسبات گوناگون می شوند و تشکیل جامعه می دهند

به این صورت می توان گفت که تامین امنیت و راهای دستیابی به آن از جمله ای سنگ بناهای شکل گیری خانواده می باشد

بررسی مفهوم امنیت از نگاه قرآن و امیرالمومنین

تا اینجا کوشیدیم تا نشان دهیم که امنیت از اساسی ترین نیازهای آدمی است و شاید همراه با آزادی، عدالت، معنویت، رفاه عمومی و کرامت و عزت شخصی از عمده ترین ارزش های حیات معقول انسانی به حساب آید. ذات این امنیت مصونیت حقوق هر فرد از هر نوع تعرض در سطح فردی و ارتقای آن در سایر سطوح، از خانواده تا جامعه، است

در نگاه قرآن ناطق هم امنیت یک نعمت بزرگ و مجهول القدر است. از امام "ع" در غررالحکم "ج 4، ص 100" نقل شده است: رفاهیه العیش فی الامن "خوشی و آسایش زندگی در امنیت است". اگر این سخن را با روایات دیگر چون: لا نعمه اهنا من الامن "نعمتی گواراتر از امنیت نیست، همان ج 6، ص 435" و نعمتان مجهولتان الصحه و الامان "دو نعمت ناشناخته اند سلامتی و امنیت" جمع کنیم، نعمت امنیت را مقدم بر بسیاری از امور خواهیم یافت. خانواده از دیر باز نهادینه ترین و اصلی ترین اجزای اجتماعات را تشکیل می داده است و همزمان با آغاز خلقت بشریت به صورت فطری و سرشت ذاتی شکل گرفته است. امروزه نیز خانواده یکی از محوری ترین نهادهای اجتماع بشری است که تا کنون جانشینی برای آن یافت نشده است. نقش کلیدی خانواده در برآوردن نیازهای عاطفی، فرهنگی، اقتصادی و غیر آن؛ این نهاد را به عنوان یک نهاد طبیعی بی بدیل که از آغاز خلقت همراه بشر بوده تبدیل نموده است. از سوی دیگر آسیب ها و آفت هایی که موجب سست شدن بنیاد خانواده شده؛ توجه محققان را به مطالعه کارکرد ها و ابعاد گوناگون این نهاد جلب نموده است. اگر قرن حاضر را قرن فرو



پاشی خانواده در غرب بنامیم گزافه نگفته ایم؛ این سیل بنیان کن به مرزهای کشورهای غربی محدود نماده و از طریق وسایل ارتباطی؛ مهاجرت؛ و... کشورهای اسلامی و جهان سوم و ورود ماشین و صنعت از کشورهای غربی ((جنبش های آزادی زنان)) از نوع غربی آن هم وارد این کشورها شده است. ماهیت این جنبش ها با فرهنگ و تمدن اسلامی نا همگون است؛ چه در این ایده ها خدا جایگاهی ندارد. در جامعه و فرهنگی که خدا حضور نداشته باشد؛ ایثار و فداکاری و مهر و عاطفه و سایر دستوره های اخلاقی و دینی بی معناست.

دستوره های اخلاقی چون گذشت و مهر ورزی اساس و بنیاد خانواده را تشکیل میدهد. سست شدن بنیاد خانواده نیز دورنمای آینده بشر و ارزش های انسانی را تار و مبهم می سازد. بر اساس این واقعیت است که گفته اند: ((سست شدن بنیان خانواده در قرن حاضر تهدیدی برای آینده بشریت و ارزش های انسانی است.)) (فکور، فاطمه، کتاب، نقد، ش 12، پاییز 1378، ص 40)

خانواده در لغت و اصطلاح

خانواده در لغت به معنای دودمان و تبار و نیز به مفهوم همسر و خویشان مرد آمده است و در اصطلاح شرعی، به عده ای که از ارتباط بین زن و مرد نشأت می گیرند و نیز به اجداد و جدات و برادران و خواهران و نوه ها و عموها و عمه ها و خاله ها و دایی ها و فرزندان آنها اطلاق می شود و بر سه نوع است؛ کوچک، متوسط، بزرگ (الزحیلی، وهبه، الاسره المسلمه فی العالم المعاصر، ص 20)

خانواده کوچک آن است که منحصر به زن و شوهر و فرزندان باشد و معمولاً مراد از خانواده نیز همین است. خانواده متوسط آن است که خویشان درجه دوم نیز ملحق شوند که شامل اجداد و جدات، برادران و خواهران، اعمام و عمات و احوال و حالات می باشد. خانواده بزرگ به اجتماع مسلمانان از همسایه ها دوستان و غیر اینها نیز اطلاق می شود به نحوی که خداوند رابطه با آنها را تحت عنوان (برادر) آورده است ((انما المومنون اخوه)). (حجرات 49/آیه 10). از بدو پیدایش انسان بر روی کره زمین همواره زنان و مردان، با تشکیل کاونی به نام خانواده، عمری را در کنار یکدیگر گذرانیده و فرزندان در دامان پر مهر خویش پروراند



استعاره‌ای است لطیف که با انضمامش به جمله: "أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ..."، لطافت بیشتری به خود می‌گیرد، چون انسان با جامه، عورت خود را از دیگران می‌پوشاند، و اما خود جامه از نظر دیگران پوشیده نیست، همسر نیز همین‌طور است، یعنی هر یک دیگری را از رفث به غیر می‌پوشاند، ولی رفث خودش به او دیگر پوشیده نیست، چون لباسی است متصل به خودش، و چسبیده به بدنش. (ج 2، ص 64) گویا یک تن واحدند که به سبب ازدواج تکمیل‌کننده یکدیگر شده‌اند؛ و از مردان می‌خواهد که "وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ". با زنانان به نیکی و معروف معاشرت کنید. (سوره نساء، آیه 19)

و این حکم عمومی منافات با این معنا ندارد که هر یک از دو طایفه زن و مرد خصلتی مختص به خود داشته باشد، مثلاً نوع مردان دارای شدت و قوت باشند، و نوع زنان طبیعتاً دارای رقت و عاطفه باشند، چون طبیعت انسانیت هم در حیات تکوینی و هم اجتماعیش نیازمند به ابراز شدت و اظهار قوت است، و هم محتاج به اظهار مودت و رحمت است، هم‌چنان‌که نیازمند به آن است که دیگران نسبت به او اظهار شدت و قوت کنند و هم اظهار محبت و رحمت نمایند، و این دو خصلت دو مظهر از مظاهر جذب و دفع عمومی در مجتمع بشری است.

روی این حساب دو طایفه مرد و زن، از نظر وزن و از نظر اثر وجودی، با هم متعادلند؛ هم‌چنان‌که افراد طایفه مردان با همه اختلافی که در شئون طبیعی و اجتماعی دارند، بعضی قوی و عالم و زیرک و بزرگ و رئیس و مخدوم و شریف‌اند، و بعضی دیگر ضعیف و جاهل. (ج 4، ص 405) از اینجاست که بحث قوامیت پیش می‌آید.

قوامیت

براساس آنچه که گفته شد «اسلام بین زن و مرد از نظر تدبیر شئون اجتماع و دخالت اراده و عمل آن دو در این تدبیر، تساوی برقرار کرده، علت آن نیز این است که همانطور که مرد می‌خواهد بخورد و بنوشد و بپوشد، و سایر حوایجی که در زنده ماندن خود به آنها محتاج است به دست آورد، زن نیز همین‌طور است، و لذا قرآن کریم می‌فرماید: "بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ".



شما زنان و مردان از جنس همدیگرید. (سوره آل عمران، آیه 195) پس همانطور که مرد می‌تواند خودش در سرنوشت خویش تصمیم بگیرد و مستقلاً عمل کند و نتیجه عمل خود را مالک شود، زن نیز چنین حقی را دارد بدون هیچ تفاوتی: "أَلَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ." سود و زیان کارش، عاید خودش می‌شود. (سوره بقره، آیه) «(286ج 2، ص 409)

اما با وجود تمام این تساوی‌ها و اشتراکات ظاهری، «خدای تعالی در آفرینش زن دو خصلت قرار داده که به آن دو خصلت، زن از مرد امتیاز پیدا می‌کند؛ اول اینکه: زن را به منزله کشتزاری برای تکون و پیدایش نوع بشر قرار داده، تا نوع بشر در داخل این صدف تکون یافته و نمو کند، تا به حد ولادت برسد، پس بقای نوع بشر بستگی به وجود زن دارد، و به همین جهت که او کشتزار است، مانند کشتزارهای دیگر احکامی مخصوص به خود دارد و با همان احکام، از مرد ممتاز می‌شود.

دوم اینکه: از آنجا که باید این موجود، جنس مخالف خود یعنی مرد را مجذوب خود کند، و مرد برای این که نسل بشر باقی بماند به طرف او و ازدواج با او و تحمل مشقت‌های خانه و خانواده جذب شود، خداوند در آفرینش، خلقت زن را لطیف قرار داد، (ج 2، ص 409) تا با جمال و کرشمه خود و با مودت و رحمت خویش دل مردان را به سوی خود جذب کنند، (ج 4، ص 343) و برای اینکه زن مشقت بچه‌داری و رنج اداره منزل را تحمل کند، شعور و احساس او را لطیف و رقیق کرد، و همین دو خصوصیت، که یکی در جسم اوست و دیگری در روح او، تأثیری در وظائف اجتماعی محول به او دارد. (ج 2، ص 409) پس زنان رکن اول و عامل اصیل اجتماع انسانند. (ج 4، ص 343)

در حقیقت می‌توان گفت: «بعضی از فضل‌های خدای تعالی فضل اختصاصی به یکی از این دو طایفه است، بعضی مختص به مردان و بعضی دیگر مختص به زنان است... این قسم فضیلت، فضلی است از خدا که به هر کس بخواهد می‌دهد، و لذا در آخر آیه می‌فرماید: "وَسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ." همواره از خدا فضل او را بخواهید. (سوره نساء، آیه 32)؛ و دلیل بر آنچه ذکر کردیم آیه شریفه: "الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ." مردان سرپرست و نگاهبان زنانند. (سوره نساء،



آیه 34» (ج 2، ص 409) کلمه (قوام) که در این آیه آمده از ماده قیام، به معنای اداره امر معاش است... چون تدبیر امور مالی یعنی حفظ آن، و تبدیلیش و سودکشی از مال، سر و کارش با روح تعقل بیشتر است، تا با روح عواطف رقیق و احساسات لطیف،» (ج 4، ص 341) خداوند سرپرستی مالی زنان را بر عهده مردان نهاده است. این سخن و جایگاهی که برای مردان برشمرده شد، «نه اینکه مراد از آن کرامت واقعی و فضیلت حقیقی در اسلام یعنی قرب به خدای تعالی باشد، چون از نظر اسلام برتری‌های مادی و جسمی که جز در زندگی مادی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و تا وقتی که وسیله بدست آوردن مقامات اخروی نشود، هیچ اهمیتی ندارد، (و اگر از این جهت مورد نظر قرار گیرد دیگر فرقی بین آن و امتیازات خاص زنان نیست، آنهم وسیله است، این هم وسیله است، هم‌چنان که اگر وسیله قرار نگیرد نه آن فضیلت است و نه این.)» (ج 4، ص 344)

شاید باید گفت که قیومیت مرد بر زنش به این نیست که از اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک آن است، سلب آزادی کند و اینکه استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او و دفاع از منافعش را سلب کند. پس زن همچنان استقلال و آزادی خود را دارد، هم می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند و هم می‌تواند از آن دفاع نماید. اما در این میان تقسیم‌بندی‌ای هم صورت گرفته است، «اسلام در وظائف و تکالیف عمومی و اجتماعی که قوامش با یکی از این دو چیز یعنی تعقل و احساس است، بین زن و مرد فرق گذاشته، آنچه ارتباطش به تعقل بیشتر از احساس است (از قبیل ولایت و قضا و جنگ) را مختص به مردان کرد، و آنچه از وظائف که ارتباطش بیشتر با احساس است تا تعقل مختص به زنان کرد، مانند پرورش اولاد و تربیت او و تدبیر منزل و امثال آن، آن‌گاه مشقت بیشتر وظائف مرد را از این راه جبران کرده که: سهم ارث او را دو برابر سهم ارث زن قرار داد، (معنای این در حقیقت آن است که نخست سهم ارث هر دو را مساوی قرار داده باشد، بعداً ثلث سهم زن را به مرد داده باشد، در مقابل نفقه‌ای که مرد به زن می‌دهد.)» (ج 2، ص 415) یعنی «تجهیز مرد به نیروی



تعقل و دفاع، و تجهیز زن به عواطف و احساسات، دو تجهیز متعادل است، که به وسیله آن دو کفه ترازوی زندگی در مجتمع که مرکب از مرد و زن است متعادل شده است.»

منابع و مأخذ:

- آشوری محمد (۱۳۸۳). آیین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران: نشر سمت، ۱۷۵ ص .
- آنسل مارک (۱۳۷۵). دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: دانشگاه تهران، ۴۰۷ ص.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم الافریقی المصری (۱۴۰۵ق) لسان العرب، ج ۱۱، قم: نشر ادب، ۳۲۵ ص
- الطریحی شیخ فخرالدین (۱۴۰۸ق). مجمع البحرین، ج ۱، بی جا، بی نا، ۳۲۱ ص.
- العسکری ابو هلال، (۱۴۱۲ق). معجم الفروق اللغویه، قم: جامعه المدرسین، ۲۱۵ ص.
- پرادل ژان، (۱۳۷۳). تاریخ اندیشه های حقوق کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۶۴ ص.
- جلال الدین قیاسی، عادل ساریخانی، و قدرت ا... خسروشاهی، (۱۳۸۵). حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۳۵۴ ص .
- حرالعاملی، محمد بن الحسن، (بی تا). تفصیل وسائل الشیعۀ الی تحصیل مسائل الشریعۀ، ج ۱۸، قم: موسسه آل البیت (ع)، الاحیاء التراث، ۳۱۰ ص .
- حلی، ابن ادریس، (۱۴۱۰ق). السرائر، ج ۱ و ۲، قم: نشر جامعه المدرسین، ۲۹۰ ص .
- خمینی سید روح الله، (۱۳۶۶). تحریر الوسیله، قم: نشر انتشارات اسلامی حوزه علمیه، ۶۵۰ ص .
- خویی ابوالقاسم، (۱۹۷۶). مبانی تکلّمه المنهاج، ج ۱، نجف: مطبعه الاداب، ۴۲۸ ص .
- خویی ابوالقاسم، (۱۴۲۰). مصباح الاصول، ج ۲، قم: نشر الداوری. ۶۱۵ ص.
- درویش پور وفا، (۱۳۸۶). جهل و خطا در حدیث رفع و آثار آنها در حقوق کیفری از منظر فقه امامیه، مجله پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۸، ص ۲۶۵-۲۸۸.
- سبزواری عبدالاعلی، (۱۴۱۷ق). مهذب الاحکام، ج ۲۸، قم: نشر مطبعه یاران، ۳۲۱ ص .
- سمیعی حسن، (۱۳۳۱). حقوق جزاء، تهران: بی نا، ۱۸۰ ص.



- شهید اول، (۱۳۷۲). الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ج ۲، قم: حوزه علمیه قم، ۸۱۵ ص .
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۷۲). الروضه البهیه، ج ۲، قم: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع)، ۴۷۹ ص .
- صادقی محمدهادی، (۱۳۸۵) حقوق جزای اختصاصی، تهران: نشر میزان و دادگستر، ۲۸۸ ص .
- صدر محمد باقر، (۱۴۰۶). دروس فی علم الأصول، ج ۳، بیروت: دارالکتاب اللبنانی، مکتبه المدرسه، ۴۳۲ ص .
- صفار محمدجواد، (۱۳۷۳). شخصیت حقوقی، تهران: نشر دانا، ۵۳۰ ص .
- شهید ثانی، عاملی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۹). مسالک الافهام، ج ۲، بی جا: موسسه المعارف الاسلامیه، ۴۰۵ .
- عاملی محمد بن حسن، (بی تا). وسائل الشیعه. ج ۱۸ و ۱۴ و ۹ و ۱، بیروت: دارءاحیاء التراث العربی .
- عسکری حسن بن عبدالله، (۱۳۵۳). الفروق اللغویه، ج ۱، قاهره: چاپ افست قم، ۳۶۳ ص .
- علی آبادی عبدالحسین، (۱۳۶۹). حقوق جنایی، جلد اول، تهران: انتشارات فردوسی، ۳۰۷ ص .
- عمید حسن، (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی عمید، تهران: نشر امیرکبیر، ۲۵۳۹ ص .
- فنایی رویا، (۱۳۸۸). تاثیر عنصر جهل در فقه شیعه و حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان بلوچستان، دانشکده علوم انسانی، ۲۱۵ ص .
- نائینی محمد حسین، (بی تا). فوائد الاصول، ج ۲، قم: موسسه نشر اسلامی، ۶۱۶ ص .
- نوربها رضا، (۱۳۸۴). تقریرات درس حقوق کیفری عمومی (دوره کارشناسی ارشد)،